

## زنجان در جنگ جهانی دوم

### چکیده:

در شهریور ۱۳۲۰ هواپیماهای جنگی شوروی شهر زنجان و شماری دیگر از شهرهای شمالی کشور را بمباران کردند و این نخستین نشانه نقض آشکار بی طرفی ایران در جنگی بود که نه در شروع آن نقشی داشت و نه در ادامه آن. پیامدهای این جنگ تاخوaste را در زنجان به دو دسته کوتاه مدت و درازمدت می توان تقسیم کرد. از پیامدهای کوتاه مدت جنگ می توان به اشغال زنجان به دست نیروهای شوروی و دخالت آنان در امور اداری، انتظامی و اقتصادی منطقه اشاره کرد. از پیامدهای درازمدت آن نیز می توان ایجاد و تقویت حزب توده را برشمرد.

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، اگرچه پیامدهای کوتاه مدت جنگ نیز تمام شد، پیامد درازمدت آن همچنان ادامه یافت؛ اشغال زنجان به دست فرقه دموکرات آذربایجان نتیجه این پیامد بود و از آن پس تا اواسط دهه سی؛ یعنی نزدیک به ده سال پس از پایان جنگ، حضور حزب توده در این شهر محسوس بود، آنان زنجان را درگیر منازعات سیاسی و نظامی خطرناکی کردند. این مقاله بر آن است که به پرسشهای زیر پاسخ گوید:

۱. اشغال زنجان در جریان جنگ جهانی دوم با چه زمینه‌هایی و چگونه صورت گرفت؟
۲. با توجه به فرار داشتن زنجان در حوزه اشغال شوروی، آنان چگونه در امور این شهر دخالت می‌کردند؟

۳. جنگ جهانی دوم چه پیامدهای اقتصادی و سیاسی در زنجان داشت؟

کلید واژه: زنجان، شوروی، جنگ جهانی دوم.

## مقدمه

جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹م. در حالی آغاز شد که کشور شوروی اوضاع متفاوتی نسبت به زمان جنگ جهانی اول داشت؛ زیرا در سالهای آخر جنگ جهانی اول، بلشویکها با استفاده از شعارهای کمونیستی توانستند نظام تزاری را سرنگون سازند. آنان با شعارهای به ظاهر رهایی‌بخش، نه تنها جنگ را در جهت حفظ منافع سرمایه‌داری هدایت کردند بلکه حاضر شدند با امضای تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهایی با همسایگان، از برخی امتیازهای گرفته شده از سوی تزارها چشم‌پوشی کنند.

چند سال پس از پایان جنگ اول، استالین در شوروی روی کار آمد و با توجه به رقابتی که با کشورهای صنعتی سرمایه‌داری داشت، گامهای بلندی به سوی صنعتی شدن و تأمین امکانات دفاعی و تهاجمی برداشت؛ به گونه‌ای که در آستانه حمله هیتلر به شوروی، این کشور یکی از کشورهای صنعتی جهان محسوب می‌شد و همانند دیگر کشورهای صنعتی، نیاز فراوانی به مواد اولیه و بازار فروش داشت و این در حالی بود که بیشتر امکانات در اختیار دولتهای پیروز واقعی جنگ اول؛ یعنی انگلیس و فرانسه بود و از این رو شاید جنگ جهانی دوم برای روسها یک ضرورت بود تا نظام ناخواسته حاکم بر نظام بین‌الملل را برهم زنند.

استالین بیش از لنین داعیه گسترش انقلاب بلشویکی را داشت و از این رو جنگ می‌توانست برای توسعه این مرام سیاسی در خاورمیانه و اروپای شرقی فرصتی فراهم آورد.

با آغاز جنگ، شوروی بنا به اجبار نظامی با کشورهای هم پیمان شد که ایدئولوژی‌اش با آنها متفاوت بود. آنان پس از این هم پیمانی و به بهانه کوتاه کردن دست آلمان از ایران به این نتیجه رسیدند که کشور را اشغال کنند. به دنبال این تصمیم، روسها با فرستادن دو سپاه از ارس و آستارا درصدد تحقق اهداف خود برآمدند.

روسها به دنبال اشغال صفحات شمال غربی کشور و با استفاده از برخی زمینه‌های مساعد داخلی در ایران، خواهان جدایی آذربایجان از ایران بودند، هدفی که در معاهده ترکمانچای به آن دست نیافتند.

روسها این بار برخلاف تزارها از روش حمله مستقیم نظامی استفاده نکردند بلکه در

مدت اشغال این مناطق، مجموعه‌ای از تشکیلات سیاسی دست نشانده ایجاد کردند و در سالهای بعد آنان را بر علیه حکومت مرکزی شوراندند و در مقابل اعتراض ایران و مجامع جهانی، حرکت این گروهها را یک نهضت دموکراتیک داخلی دانستند و بدین ترتیب از مسئولیت مهار آنها شانه خالی کردند.

شهرستان زنجان، واقع در شمال غربی کشور در تقسیم‌بندی متفقین نصیب روسها شد. این شهر برای روسها از چند جهت اهمیت داشت: نخست اینکه محل تلاقی دو گروه از نیروهای این کشور بود که از رشت و تبریز به طرف ایران سرازیر شده بودند. این تلاقی در تاجکستان واقع در بین راه زنجان و قزوین صورت می‌گرفت و آذوقه این نیروها اغلب از زنجان تأمین می‌شد. دوم اینکه زنجان به عنوان دروازه آذربایجان و به علت برخورداری از راه آهن و راههای شوسه، مطمئن‌ترین و کوتاه‌ترین راه برای رساندن کمکهای متفقین به شوروی بود و همواره بخشی از واگنهای قطار آن به این امر اختصاص داشت. با این توضیح روند اشغال شهر، کارها و پیامدهای این اشغال بررسی می‌شود.

### گفتار یکم: اشغال زنجان در جنگ جهانی دوم

ایدن، وزیر امور خارجه انگلیس، پس از پایان جنگ در سخنانی راجع به ایران هدف از اشغال این کشور را چنین بیان کرد:

«این را هرگز نباید فراموش کرد که علت ورود قوای روس و انگلیس به ایران برای آن بود که از خطوط ارتباطی این کشور استفاده کرده و کمک حیاتی و فوری به شوروی که در آن موقع مورد حمله شدید آلمانها قرار گرفته بود برسانیم.» (خان ملک‌پزیدی، ۱۳۲۰، ص ۱۳).

اشغال زنجان نیز یکی از اهداف کلی متفقین بود؛ این شهر به سبب قرار داشتن در مسیر راه آهن و شوسه منتهی به شوروی اهمیت بسیاری برای متفقین داشت، آنان در ۳ شهریور ۱۳۲۰ حریم هوایی شهر را شکستند و مناطقی را بمباران کردند. به نظر می‌آید هدف این بمبارانها انهدام قرارگاههای هوایی و تخریب سربازخانه‌ها و آتشبازیهای هوایی بوده است. (تبرانیان، ۱۳۷۱، ص ۹) سه روز پس از این بمباران، سفیر کبیر شوروی و وزیر مختار انگلیس نامه‌ای به محمدعلی

فروغی، نخست‌وزیر وقت ایران، نوشتند و در یکی از بندهای نامه خواستار عقب‌نشینی نیروهای ایرانی از برخی شهرها از جمله زنجان شدند و اعلام کردند قشون انگلیس و شوروی این نقاط را اشغال خواهند کرد. آنان در نامه ۸ شهریور ۱۳۲۰ آشکارا مناطق یادشده را مناطق اشغالی شوروی اعلام کردند (همان، ص ۷۹). هیئت دولت ایران نیز در نامه ۸ شهریور ۱۳۲۰ مصادف با ۲۰ اوت ۱۹۴۱ به نمایندگان دولتهای یادشده، موارد بالا را رسماً پذیرفت (همان، ص ۸۸-۸۹-۹۱) و زمینه از هر جهت برای اشغال شهر فراهم شد.

سرهنگ شیبانی، فرمانده هنگ دوم هوایی کشور، با نخستین بمباران تصمیم گرفت از افتادن سیزده فروند هواپیمای موجود در فرودگاه تبریز به دست نیروهای شوروی جلوگیری کند و آنها را به زنجان انتقال دهد. زمان پرواز به شب موکول شد؛ زیرا نیروهای هوایی شوروی بر آسمانها تسلط داشتند. (استوارت، ۱۳۷۰، ص ۲۳۴) در ساعت سه بامداد ۴ شهریور، سیزده هواپیمای دو باله هنگ دوم هوایی ایران در تاریکی به مقصد زنجان پرواز کردند و ده فروند هواپیما، سالم به فرودگاه زنجان رسیدند و سه فروند دیگر در اثر برخورد با کوههای جنوب تبریز سرنگون شدند. شیبانی که مطمئن بود نیروهای شوروی به زودی از رفتن آنان آگاه خواهند شد، بی‌درنگ پس از سوخت‌گیری به مقصد تهران حرکت کرد. چند لحظه پس از پرواز هواپیماهای یادشده از فرودگاه زنجان، هواپیماهای شوروی فرودگاه را بمباران کردند. (همان، ص ۲۳۹) سرانجام، در روز ۷ شهریور ۱۳۲۰ ژنرال نوویکوف\* ستون موتوری خود را از میانه به سمت جنوب شرقی حرکت داد و در همان روز زنجان را اشغال کرد (همان، ص ۲۹۰).

### گفتار دوم: دخالت نیروهای شوروی در امور زنجان در جنگ جهانی دوم

#### الف) انتظامی

با ورود نیروهای شوروی به زنجان، نظم شهربانی زنجان فرو ریخت. شماری از مأموران، محل مأموریت خود را ترک کردند و برخی با خونسردی وضعیت را پذیرفتند به

\* سرلشکر واسیلی واسیلیویچ نوویکوف، فرمانده ارتش چهل و هفتم شوروی و رهبر تهاجم به محور اصلی مسیر تبریز - تهران بود.

گونه‌ای که براساس یک گزارش، شهربانی باقی نماند<sup>۱</sup> تا نظمی برقرار کند.

به دلیل فروپاشی شهربانی امنیت در شهر از بین رفت، دزدیها افزایش یافت و مالکان محلی که در سالهای حکومت رضاخان به سبب تمرکز اداری و گسترش نظارت حکومت مرکزی ناچار به اطاعت شده بودند با تضعیف نهادهای اداری و انتظامی شهامت یافتند و میز و صندلی مأموران دروازه‌ها را شکستند، پاسبانها را خلع سلاح و مأموران داری را مضروب کردند.<sup>۲\*</sup> شماری از بازرگانان و اعیان شهر که از ناامنی به ستوه آمده بودند، تصمیم گرفتند برای حفاظت شهر نیرو معرفی کنند و هزینه آنان را نیز بپردازند و بدین ترتیب چهل و چهار فرد مطمئن معرفی شدند و یاور طلعت، رئیس جدید شهربانی، هم به زحمت بیست و شش تن از پاسبانها را گردآورد و شهربانی زنجان پس از تعطیلی موقت، کار خود را با هفتاد نفر در انتظامات شهر آغاز کرد.<sup>۳</sup>

نیروهای شوروی که تشکیل شهربانی را مانعی در برابر خود می‌دیدند به این کار مردم و دولت واکنش نشان دادند و در آذر ۱۳۲۰ سه افسر شوروی به اداره شهربانی رفتند و به رئیس شهربانی اخطار کردند که شمار نیروهای شهربانی زنجان نباید بیش از پنج نفر پایه ور، هشت نفر سر پاسبان و سی و پنج نفر پاسبان باشد. آنان گفتند که شهربانی می‌تواند فقط به تعداد پاسبانها تنگ نگه‌داری کند و باید بقیه اسلحه‌ها را به تهران بفرستد.<sup>۴</sup> تعیین حداکثر چهل و هشت نفر نیروی شهربانی برای زنجان از طرف نیروهای شوروی در حالی بود که شهربانی زنجان در گزارش قبلی خود به وزارت کشور، حداقل تعداد پاسبان مورد نیاز را صد و بیست نفر اعلام کرده بود.<sup>۵</sup>

نیروهای شوروی همچنین رئیس شهربانی را به کماندانی احضار کردند و ورقه‌ای به زبان روسی جلوی او گذاشتند و دستور دادند آن را امضا کند؛ مفاد ورقه این بود که شما متعهد می‌شوید به نیروهای شوروی کمک کنید و فقط از آنان دستور بگیرید. رئیس شهربانی با این بهانه که بهایی است و در مذهب او دخالت در سیاست ممنوع است از امضای ورقه خودداری کرد و به زحمت خود را از کماندانی رهانید و برای گزارش دادن به تهران رفت.<sup>۶</sup> از این پس تا

\* این امر نشان‌دهنده نارضایتی از تمرکزگرایی ایام رضاخان است.

پایان جنگ، کشمکش میان شهربانی زنجان و نیروهای شوروی در مورد امور انتظامی شهر ادامه داشت.

نیروهای شوروی افزون بر ایجاد اختلال در امنیت شهر در روستاهای اطراف نیز دخالت می‌کردند. آنان با استفاده از افکار کمونیستی، روستاییان را تحریک می‌کردند که از پرداخت حقوق مالکانه خودداری کنند<sup>۷</sup> و خود به چپاول همان روستاییان می‌پرداختند؛ چنانچه در یک مورد، اهالی روستای تازه‌کند دو نفر سرباز شوروی را که در حالت مستی اهالی روستا را غارت و به ناموس مردم تعرض کرده بودند، دستگیر کردند و پس از خلع سلاح به کماندانی نیروهای شوروی تحویل دادند.<sup>۸</sup>

#### ب) اقتصادی

نیروهای شوروی که برای سکونت و کار به مکانهایی نیاز داشتند، تصمیم گرفتند برای این امور هزینه نکنند و با تصرف تعدادی از ساختمانهای دولتی نیازشان را بر طرف کنند. آنان در زنجان برخی از ساختمانهای دولتی از جمله یک بیمارستان را تصرف کردند؛ برای تخلیه بیمارستان مذاکره‌های بسیاری انجام شد و با پافشاری دکتر طباطبایی، کفیل بهداری زنجان، مبنی بر نیاز اهالی به بیمارستان و پیگیریهای مستمر فرمانداری زنجان، بیمارستان به بهداری زنجان تحویل داده شد.<sup>۹</sup>

نیروهای شوروی در مقابل تحویل بیمارستان درخواست کردند بهداری زنجان به هزینه خود مکانی را اجاره کند و به آنان تحویل دهد و چون بهداری نمی‌خواست چنین هزینه‌ای را بپذیرد باز موضوع به مرکز کشیده شد و احتشامی، فرماندار زنجان، در نامه‌ای به وزارت کشور ضمن تأکید بر اینکه در قزوین اداره‌های امنیه، دزایی و فرهنگ به نیروهای شوروی واگذار شده است، پیشنهاد کرد وزارت کشور در این باره با سفارت دولت شوروی مذاکره کند.<sup>۱۰</sup>

وزارت کشور حل قضیه را به فرمانداری واگذار کرد و گفت چون نیروهای شوروی اجاره ساختمانها را می‌پردازند با فرمانده نیروی مذکور در زنجان مذاکره و نسبت به حل مشکلات اقدام شود.<sup>۱۱</sup>

فرماندار زنجان برای مهار دخالت‌های انتظامی و اقتصادی در امور شهر کارهایی انجام داد. او با اسمیرنف، سفیر کبیر دولت شوروی، که برای بازدید از موقعیت سربازان کشورش و تهیه مقدمات احداث راه منجیل - طارم و زنجان به این شهر آمده بود ملاقاتی انجام داد\* و به توافقهایی به شرح زیر دست یافت:

« ۱. در مورد راه طارم فرماندار زنجان اهمیت این راه را از نقطه نظر اقتصادی و نظامی (برای رفت و آمد قوای موتوری) به سفیر کبیر تشریح کرد و خاطر نشان کرد که راه فوق در جنگ جهانی اول مورد توجه مأمورین شوروی واقع شده و مقداری از آن را تسطیح نموده‌اند ولی فعلاً به علت ریزش تپه‌های اطراف مسدود می‌باشد و نیازمند تعمیر است و از طرفی لازم است ۲۹ کیلومتری که به علت کوه خاکبرداری نشده، خاکبرداری شود.

۲. فرماندار، پاسهای قوای شوروی در شهر را غیر ضروری دانست و حتی متذکر شد که به علت تماس سربازان با مردم کوچه و بازار برای آن عواقب وخیمی پیش‌بینی می‌کند.

۳. از طرفی فرماندار پیشنهاد کرد شورویها شخص ثابتی را در شهر زنجان تعیین نمایند تا نامبرده ارتباط مستمری با رئیس شهربانی داشته باشد و نیازمندیهای قوای شوروی را با رئیس شهربانی حل و فصل نماید و بدین ترتیب از مناقشات بین اهالی و سربازان جلوگیری شود.

۴. در مورد حزب توده و تبلیغات آنان، فرمانداری ضمن اینکه فعالیت آنان را موجب اختلال روابط طرفین دانست، از سفیر کبیر کسب تکلیف کرد که برای جلوگیری از تظاهرات آنان تا چه اندازه حکومت محلی را محق می‌دانند؟

۵. در مورد تأمین آذوقه قوای شوروی مقرر شد که مازاد حبوبات و روغن و غیر آنچه محتاج به حمل باشد در کیسه‌هایی برگزیده که به زبان فارسی و روسی نوشته شده و به امضای فرماندار رسیده باشد مجاز به حمل باشد و مقرر شد با هر ترنی یکی دو واگن برای این قبیل کالاها تخصیص داده شود.»<sup>۱۲</sup>

سفیر کبیر به همه پیشنهادهای فرماندار گوش داد، اما انجام آنها را به بررسیهای لازم در

---

\* در این جلسه علاوه بر مشایخی، فرماندار، محمود ذوالفقاری، رئیس انجمن شهرداری، سرهنگ تیموری، رئیس شهربانی و دو نفر دیگر از محترمین شهر هم حضور داشتند.

تهران موکول کرد و قول داد نتیجه را به فرماندار اعلام کند. با وجود این همه مذاکره، روسها فقط به بند اول علاقه نشان دادند و به همین سبب مشکلات تا پایان جنگ ادامه یافت.

سه روز پس از حرکت اسمیرنوف از زنجان، دو نفر افسر مهندس از طرف سرهنگ لویف، رئیس ستاد ارتش قوای سرخ، وارد زنجان شدند و از فرمانداری خواستند آنان را به طارم بفرستد. مصحفی، مهندس شهرداری، از طرف فرمانداری با دو نفر از افراد مالکان عمده طارم همراه اسب و دیگر لوازم مورد نیاز، تعیین و با دو افسر روس رهسپار طارم شدند.<sup>۱۳</sup> تا در مورد راه منجیل - زنجان از راه طارم مطالعه کنند. گویا فرمانداری زنجان نظر به اهمیت نظامی این راه برای نیروهای شوروی و اهمیت اقتصادی آن برای توسعه زنجان می‌کوشیده است با توجه به تکنولوژی پیشرفته روسها، تکمیل و راه‌اندازی این راه را به آنان واگذار کند و در واقع تنها فایده جنگ برای زنجان همین یک مورد بود.

### گفتار سوم: پیامدهای جنگ جهانی دوم الف) اقتصادی

جنگ جهانی دوم نیز همانند هر جنگی، تأثیر بسیار منفی بر اقتصاد کشورها از جمله ایران داشت. در زنجان این جنگ موجب «فقر عمومی اهالی»<sup>۱۴</sup> و کمبود ارزاق و افزایش قیمت آن و شورش بزرگ نان در سال ۱۳۲۲ شمسی شد. علت ایجاد این وضعیت را باید در میزان مصرف آذوقه قوای شوروی و سودجویی بازرگانان محلی در خروج مایحتاج عمومی شهر و فروش آن در پایتخت و شهرهای دیگر جستجو کرد.

از همان نخستین سال اشغال (۱۳۲۱ش)، قیمت غله افزایش یافت و موجب نگرانی و ناراحتی توده مردم شد.<sup>۱۵</sup> در ۳ خرداد ۱۳۲۲ همزمان با سفر اسمیرنوف، سفیر کبیر شوروی، به زنجان شورش بزرگ در شهر به وقوع پیوست.<sup>۱۶</sup> در جریان شورش، شورشیان منزل اسدالله ایازی، تاجر بزرگ برنج و توتون، را خراب و برادرش را به سختی مجروح کردند؛ سپس به بازار رفتند و به غارت پرداختند. بهانه شورش، اعلام افزایش قیمت نان از سه کیلو شش ریال به سه

\* تعداد افراد شورشی، مطابق گزارش وزارت کشور دو هزار نفر بوده است.



کیلو نه ریال بود.<sup>۱۶</sup> فرمانداری زنجان به سبب نگرانی تکرار تظاهرات که وقوع آن را پیش‌بینی می‌کرد و به احترام میهمانان خارجی خود، تصمیم اداره خواربار را لغو کرد و پس از رفتن سفیر کبیر با تکیه بر نیروهای شهرستانی و ژاندارمری دوباره قیمت‌ها را افزایش داد.<sup>۱۷</sup>

در سال ۱۳۲۳ ش. مشکل خواربار همچنان ادامه یافت به گونه‌ای که شماری از ساکنان زنجان در پی اقدام برخی از بازرگانان شهر از جمله قماشچی، حاج علی توفیقی و اکبر شهلائی مبنی بر جمع‌آوری خواربار به‌ویژه غله شهرستان از خود شهر و اطرافش و حمل آن به خارج از استان، درصدد برآمدند منزل اکبر شهلائی<sup>۱۸\*</sup> را غارت کنند و خودش را بکشند.<sup>۱۹</sup>

فرمانداری زنجان برای حل این موضوع، مشکلات فراوانی داشت؛ زیرا با وجود اینکه غله استان برای مصرف خود استان کافی نبود مسئولان پایتخت انتظار داشتند استاندار و فرماندار زنجان در امر تسهیل آذوقه رسانی به پایتخت کمک کنند. (تبرانیان، ۱۳۷۱، ص ۲۹۷) از طرفی نیروهای شوروی برای مصرف نیروهای خود در زنجان و قزوین و شهرهای دیگر زیاد آذوقه می‌خریدند و آن را به قزوین و جاهای دیگر حمل می‌کردند و مانع حمل آذوقه به تهران می‌شدند (همان، ص ۲۶۵) و بدین ترتیب فرمانداری ناچار بود راه حل میان‌ه‌ای در پیش گیرد. فرمانداری ضمن مذاکره با فرمانده نیروهای شوروی کوشید از اقدام روسها در منع حمل آذوقه به تهران جلوگیری کند (همانجا) و از طرف دیگر برای جلوگیری از اقدام بازرگانان زنجان در حمل خواربار شهر به خارج، به فرمانده نیروهای شوروی تذکر داد از حمل خواربار با اتومبیل‌های حامل مهمات جلوگیری کند<sup>۲۰\*\*</sup> و با راه آهن زنجان نیز مذاکره کرد که در حمل اجناس بیشتر نظارت کند.<sup>۲۱</sup> فرمانداری برای مهار خروج بی‌رویه آذوقه نیروهای شوروی از زنجان، به سفیر شوروی پیشنهاد کرد کالاها فقط با امضای فرمانداری از شهر خارج شوند.<sup>۲۲</sup>

در اواخر سال ۱۳۲۳ ش. اتفاقی افتاد که نتیجه آن رکود کامل چاقوسازی، مهم‌ترین صنعت دستی شهرستان شد؛ بدین ترتیب که در ۲۹ بهمن ۱۳۲۳ یک افسر شوروی به کلاتری

\* نامبرده در ایستگاه راه‌آهن پانزده واگن در اختیار گرفته بود و مرتب خواربار به خارج از استان می‌فرستاد و بدین وسیله سهم بسیاری در وخامت اوضاع اقتصادی ایفا می‌کرد.

\*\* اتومبیل‌هایی که به زنجان مهمات می‌آوردند، چون در بازگشت به قزوین و تهران خالی بودند، آذوقه بار می‌کردند.

زنجان مراجعه کرد و اظهار داشت که مقداری از فلزات برنجی متعلق به مهمات نیروی شوروی، وسائل ارتباط هواپیما و پارچه، بین قزوین و میانه با شکافتن سقف واگنهای ترن دزدیده شده است و این اموال در دکانهای زنجان دیده می‌شود.<sup>۲۳</sup> این ادعا موجب شد روسها در حضور نماینده شهربانی و نماینده فرمانداری تمام مغازه‌های چاقوسازی، سمساری، بزازی و خیاطی را بازرسی کنند و مقداری برنج را که از بمب و دیگر ادوات محترقه به دست آمده بود، همراه مقداری پارچه و چاقو ضبط کنند. آنان مدعی بودند که چاقوهای مزبور از همان برنجهای ساخته شده است<sup>۲۴</sup> و خواستار تعقیب چاقوسازان خریدار کالای دزدی بودند. چاقوسازان این اتهام را نپذیرفتند و ضمن شکایتی به فرمانداری از ضرر وارده دادخواهی کردند.<sup>۲۵</sup> فهیمی، فرماندار زنجان، در نامه‌ای به وزارت کشور ضمن گزارش دریافت شکایت چاقوسازان در یکی از بندهای نامه چنین نوشت:

«چون صنف چاقوساز در زنجان عده کثیری هستند و صنعت چاقوسازی یکی از هنرهای زنجان است جمع‌آوری کالاهای مسروقه خسارت خیلی زیادی به این صنف آورده است.»<sup>۲۶</sup>

وی همچنین ادعای بی‌گناهی چاقوسازان را به نوعی تأیید کرد؛ زیرا معتقد بود با تغییراتی که در کوره ایجاد می‌شود تشخیص اینکه برنجهای به کار گرفته در دسته چاقوها از برنجهای فشنگ، گلوله توپ و یا گلوله تفنگ است کار آسانی نیست و دیگر اینکه زنجان در شهریور ۱۳۲۰ بمباران شده و چه بسا برنجهای از تکه‌های همان بمبها باشد.<sup>۲۷</sup>

مشکل یادشده، خسارتی جبران نشدنی برای چاقوسازان بود؛ زیرا تمام اجناس و موجودی انبارشان که در واقع همه سرمایه آنان بود از دست رفت. باوجود پیگیری مداوم فرمانداری، روسها حاضر به حل مشکل و بازگرداندن کالاهای مصادره شده نبودند. نماینده شوروی در زنجان مدعی بود از آنجایی که پیگیری این پرونده به عهده نماینده شوروی در تهران است و کالاهای نیز به آنجا برده شده، وی هیچ اختیاری در این باب ندارد.<sup>۲۸</sup> فهیمی با پیگیری و

\*\* آنان کالاهای و مهمات دزدیده شده را بیش از ۲۰ هزار تن اعلام کردند.

\*\* اگرچه بعد معلوم شد که کالاهای در تبریز است.

کمک وزارت کشور توانست نظر مساعد روسها را جلب کند و قرار شد چاقوسازان، نماینده خود را برای تحویل اجناس به فرماندار نظامی راه آهن تبریز معرفی کنند. صادق معمارزاده به عنوان نماینده صنف چاقوساز به تبریز رفت و روسها در موقع تحویل از تمام چاقوهای توقیف شده که دارای آهن، استخوان، صدف و مقداری برنج بودند، کیلویی یکصد و پنجاه ریال بهای برنجها را مطالبه کردند، اما معمارزاده فقط حاضر شد جریمه برنجهای مصرف شده را پس از تأیید متخصص بپردازد و در نتیجه مشکل حل نشد و همچنان ادامه یافت.<sup>۲۹</sup> چاقوسازان برای حل مشکل به شاه متوسل شدند<sup>۳۰</sup> و او نیز به وزارت کشور و خارجه دستور داد موضوع را پیگیری کنند و سرانجام، وزارت کشور به نتایج مهمی دست یافت و قرار شد «بدون مطالبه دیناری بابت برنجهای مصرف شده در چاقوسازی که تفکیک آنها مشکل است، چاقوهای ضبط شده را به صاحبانشان مسترد دارند.»<sup>۳۱</sup>

دیگر تأثیر اقتصادی جنگ، خسارتی بود که در نتیجه بمباران زنجان و یا در هنگام حضور نیروهای شوروی در این شهر به مردم زنجان وارد آمد. در نتیجه بمباران، خانه‌ها یا مغازه‌های شماری از مردم تخریب شد و موضوع پیگیری خسارتهای آنان سالها طول کشید و در نهایت بخشی از خسارتهای پرداخت نشد و هزینه موارد پرداخت شده نیز نه به متفقین بلکه به دولت ایران تحمیل شد.<sup>۳۲</sup>

براساس آنچه بیان شد جنگ جهانی دوم در بعد اقتصادی و در مقیاس عمومی، سبب افزایش قیمتها و ایجاد قحطی مصنوعی در شهر شد و در بعد محدودتر موجب زیان اداره‌های دولتی و صنعت چاقوسازی شد.

#### ب) سیاسی (تأسیس و تقویت حزب توده زنجان)

زیان‌بارترین نتیجه حضور و نفوذ روسها در شمال کشور، ایجاد و تقویت مجموعه‌ای از تشکیلات سیاسی دست‌نشانده بود که در رأس آنها حزب توده قرار داشت. حزب توده برای روسها دو کارکرد مثبت داشت؛ از یک طرف آنان می‌توانستند با استفاده از نفوذ توده‌ای‌ها در انتخابات مجلس دخالت و نمایندگان طرفدار خود را وارد مجلس شورای ملی ایران کنند و راه را

برای تصویب امتیازهای مربوط به خود هموار سازند و از طرفی حزب توده می‌توانست با توجه به طرفدارانی که در مجامع کارگری داشت، با ایجاد درگیریها، تظاهرات و میتینگهای خیابانی، مسئولان کشوری و محلی را وادار کند با سیاستهای شوروی همکاری کنند.

روسها در زنجان نیز به همین منظور وارد عمل شدند. آنان ضمن حمایت آشکار از تشکیل حزب توده، در تقویت آن کوشیدند. توده‌ای‌های زنجان نیز از آن پس در خدمت اهداف روسها قرار گرفتند؛ چنانچه حمایت آنان از واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی و شعارهای زنده باد شوروی در میتینگهای عمومی و ابراز مخالفت با سید ضیاءالدین طباطبایی (انگلو فیل)، ساعد، نخست‌وزیر مخالف روسها، واگذاری امتیاز نفت جنوب به انگلیسیها و نمایندگان طرفدار دولت ملی منتخب زنجانها در مجلس چهاردهم مجلس شورای ملی، گواه این مدعا است.

برابر با اسناد موجود، نخستین شعبه حزب توده در زنجان به سال ۱۳۲۱ش هنگامی تأسیس شد که شهر در اشغال روسها بود. دو نفر به نامهای محمدامین آزاد وطن و عبدالعلی زاده از کارمندان شهرداری زنجان در تأسیس آن نقش محوری داشتند.<sup>۳۳</sup> آنان محلی را در خیابان پهلوی زنجان اجاره کردند و آن را شعبه حزب قرار دادند و بر سر در آن تابلویی با عنوان حزب توده زنجان نصب کردند.<sup>۳۴</sup> آزاد وطن و عبدالعلی زاده نخستین بیانیه خود را با عنوان حزب توده زنجان منتشر و در این بیانیه ضمن تأکید بر دینداری خود، هدف از تأسیس شعبه را آزادی خود و هممنوع خود اعلام کردند.

بنیانگذاران حزب توده زنجان پس از انجام مراحل آغازین تأسیس شعبه زنجان از طریق فعالیتهای تبلیغی به اصطلاح مساوات طلبانه و با حمایت همسایه شمالی بر شمار طرفداران خود افزودند. اسناد مربوط به تعداد شرکت‌کنندگان در میتینگهای حزب مذکور حاکی از افزایش چشمگیر طرفداران حزب است. بنیانگذاران حزب در سال ۱۳۲۳ش. یعنی دو سال پس از تشکیل شعبه در زنجان با مراسمی خاص سازمان جوانان حزب توده را نیز پایه‌گذاری کردند و در مراسم نصب تابلوی آن در حضور جمعیت، عبدالعلی زاده و صادقی سخنرانی مهیجی کردند و

\* نامبردگان از طرف کمیته مرکزی حزب توده، مأمور تأسیس حزبی در زنجان شده بودند.

یادآور شدند «این تابلو پرچم آزادی است و باید تا آخرین قطره خون از آن حفاظت کنیم». عده‌ای در همین مراسم اشعاری به زبان ترکی و فارسی خواندند.<sup>۳۵</sup>

حزب توده زنجان که بدین ترتیب تشکیل و توسعه یافت در طول حیات خود همواره با کمیته‌های مرکزی حزب در تهران ارتباط داشت و براساس دستورهای آنان کارهایی در این شهر انجام داد. در یک ارزیابی کلی، کارهای آنان اغلب با سیاستها و منافع روسها در ایران همسو بود. بنیانگذاران حزب در بُعد داخلی، نخست کوشیدند با مطرح کردن شعارهای مساوات‌طلبانه و ضد ارتجاعی بر طرفداران خود بیفزایند و در مرحله دوم با بسیج پیروان از روستاهای اطراف و کارخانه‌های شهر و برگزاری میتینگهای خیابانی و تظاهرات عمومی، مخالفان را مرعوب کنند و به خواسته‌های خود برسند.

توده‌ای‌ها متأثر از شعارهای کمونیستی و با توجه به زمینه‌های ضدفقودالی که میان طبقات محروم وجود داشت، کشاورزان را تشویق کردند از پرداخت بهره مالکانه خودداری کنند.<sup>۳۶</sup>

پیروی برخی روستاییان از حزب توده، وحشت بسیاری میان مالکان ایجاد کرد و سبب شد آنان به ارکان دولت مرکزی متوسل شوند. مالکان به دولت پیشنهاد کردند اگر به هر علتی حاضر به برخورد نیست به آنان اجازه داده شود از اموال و املاک خود دفاع کنند.<sup>۳۷</sup>

البته واقعیت این بود که دولت مرکزی در برخورد با حزب توده با مشکل جدی روسها روبه رو بود. آنان بر شهر مسلط بودند و از حزب توده به سبب خدماتی که انجام می‌داد، حمایت می‌کردند و به همین منظور فرماندار زنجان کوشید در ملاقات با اسمیرنف، سفیر کبیر شوروی، در مورد حزب توده به نتایجی برسد. وی تصور می‌کرد اگر در چارچوب سیاست دولت مرکزی در خدمت به متفقین با روسها همکاری نزدیک کند، آنان دیگر به حمایت‌های حزب توده نیازی نخواهند داشت و دست وی را در سرکوب حزب یادشده باز خواهند گذاشت،<sup>۳۸</sup> اما همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد روسها هرگز با برخورد شهریانی با حزب توده موافقت نکردند.

حزب توده زنجان جدای از تبلیغاتی که برای جذب کشاورزان از طریق شعارهای مساوات‌طلبانه مطرح می‌کرد، در محیط کارگری شهر نیز تبلیغات خاص خود را دنبال می‌کرد.

آنان مدعی بودند دولت فعلی (دولت بیات و ساعد) به کارگران توجهی ندارد و کارگران باید به فکر خودشان باشند و با نیروی بازوی کارگری از حقوق خود دفاع کنند.<sup>۳۹</sup> حزب توده برای ایجاد جنبشهای سازمان یافته از طرف کارگران، اتحادیه‌های کارگری را راه‌اندازی کرد و برای جلب کارگران به این اتحادیه‌ها شعارهای فریبنده‌ای چون حداکثر هشت ساعت کار برای کارگران، ایجاد کار برای کارگران،<sup>۴۰</sup> اختصاص صندوق برای حمایت از بازماندگان کارگرانی که در حین کار جان خود را از دست می‌دهند و تأسیس دبستان و بیمارستان از طرف دولت برای کارگران را سرداد.<sup>۴۱</sup> بیشترین فعالیت حزب توده زنجان در میان کارگران شهرداری، کبریت سازی و راه آهن زنجان بوده است.

در زمینه فعالیت حزب توده در موضوع سیاست خارجی، کارهای حزب توده زنجان متأثر از حزب توده مرکزی و در جهت منافع روسها در ایران بود. دوستی و دشمنی حزب با اشخاص، نهادها و گروهها به موضوع‌گیری آنها در مورد شوروی برمی‌گشت. حزب توده مدعی بود دولت آمریکا و انگلیس، ایران را به خاک مذلت نشانده‌اند و چون همه دادوستدهایشان با ثروتمندان است برای طبقات محروم فایده‌ای ندارند و از این رو، کارگران و اشخاص بی‌بضاعت در همه حال باید طرفدار دولت شوروی باشند؛ زیرا این دولت، کارگران و بی‌بضاعتها را دوست دارد و وسایل آسایش آنان را فراهم می‌کند.<sup>۴۲</sup>

توده‌ای‌های زنجان همسو با حزب توده مرکزی پس از مطرح شدن امتیاز نفت شمال، با تجمع و تظاهرات، دولت مرکزی را زیر فشار قرار دادند تا این امتیاز را به شوروی بدهد. حزب توده زنجان در هشت ماه نخست ۱۳۲۴ش. متأثر از اوضاع بین‌المللی (اجبار روسها برای خروج از ایران و لزوم وجود اهرمی برای دولت شوروی جهت فشار به دولت ایران برای همسویی با منافع آنان) قدرت و نفوذ بسیاری یافت.

اعضای حزب توده در این مدت مأموران دولتی را از پاسبان و کارمند بخشداری گرفته تا خود فرماندار کتک زدند و فرمانداری نتوانست مانع آنان شود. همچنین توده‌ای‌ها از میتینگهای با اسلحه سخن راندند و در انتخابات شهرداری زنجان از شمارش آرای صندوقهایی که به نفع آنان

\*. عنوان اطلاعیه فتح بزرگ است که در زیر آن جمله عید برای کارگران - ماتم برای ارتجاع نگاشته شده بود.

نمود، جلوگیری کردند و فرماندار نیز از ترس خونریزی، شمارش صندوقهای یادشده را متوقف کرد.

حزب توده در این هشت ماه، تشکیلات خود را توسعه داد و موفق شد شعبه جبهه آزادی و اتحادیه کارمندان را تأسیس کند و بر شمار طرفداران خود بیفزاید. آنان با حمایت از کارگران اخراجی دارایی و شهرداری، گروههای ناراضی بسیاری را به درون تشکیلات خود کشیدند.

### نتیجه

براساس آنچه بیان شد، به دنبال توافق شوروی و انگلیس مبنی بر اشغال ایران، زنجان در سال ۱۳۲۰ش. اشغال شد. در ابتدا این تصرف برخی پیامدهای زیانبار عمومی نظیر تخریب منازل، تصرف عدوانی املاک مردم و دولت و ایجاد اشکال در امر تهیه آذوقه داشت. زنجان از این جهت با دیگر شهرها تفاوتی نداشت، اما به مرور زمان به ویژه از زمان مطرح شدن امتیاز نفت شمال و به دنبال اعمال فشارها برای تخلیه ایران، اهمیت این شهر برای روسها از دیگر شهرهای اشغال شده بیشتر شد. زنجان به علت موقعیت خاص جغرافیایی؛ یعنی قرار گرفتن میان تهران و آذربایجان، برای شوروی همچون مدل نشان دادن یک جامعه سوسیالیستی ایده آل برای دیگر مناطق ایران به ویژه تهران درآمد.

آنان در سال ۱۳۲۱ش. حزب توده را در این شهر تأسیس کردند. بنیانگذاران حزب توده بی درنگ پس از تأسیس حزب با تکیه بر پاره‌ای از زمینه‌های مساعد داخلی نظیر نارضایتی شدید اقتصادی ناشی از جنگ، تشکیلات خود را گسترش دادند. آنان با طرح برخی شعارها نظیر مبارزه با ارتجاع و سلطه خانها، لغو نظام ارباب - رعیتی، محدودیت ساعتهای کار، جلوگیری از بهره‌کشی ظالمانه از کارگران و خودداری از پرداخت بهره مالکانه و حتی طرح ضرورت تقسیم زمینهای فئودالها میان کشاورزان به این مهم دست یافتند.

زمینه‌های مساعد خارجی نیز عامل دیگری برای موفقیت حزب یادشده بود. حضور سابقه‌دار روسها در صفحات شمالی کشور به طرفداران حزب کمک می‌کرد که از امکانات مادی و معنوی شوروی برای توسعه خواسته‌های خود بهره‌مند شوند. روسها در امور انتظامی شهر به

نفع طرفداران نظام اشتراکی دخالت و از پیگرد افراد متخلف حزب توده جلوگیری می‌کردند. با تأمین امکانات مالی و تسلیحاتی نیروهای این فرقه و با استفاده از برخی ضعفهای موجود در نظام امنیتی صفحات شمالی کشور به راحتی موفق شدند در سال ۱۳۲۴ش. زنجان را به دست نیروهای حزب توده تصرف کنند و بدین ترتیب دست کم به مدت یک سال بزرگ‌ترین انشقاق را پس از معاهده ترکمانچای در تمامیت ارضی ایران ایجاد کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## کتابنامه

۱. استوارت، ریچارد؛ در آخرین روزهای رضاشاه، برگردان: هوشنگ مهدوی، تهران: معین، ۱۳۷۰.
۲. تبرائیان، ضیاءالدین؛ ایران در اشغال متفقین؛ تهران: رسا، ۱۳۷۱.
۳. خان ملک یزدی، محمد؛ خوغای تخلیه ایران؛ تهران: شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۲۰.

## اسناد

۱. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۰۳۷-۱۴/۲۹۰/۲۹۰.
۲. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۰۱۶-۱۴/۲۹۰/۲۹۰.
۳. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۰۳۷-۱۴/۲۹۰ سال ۱۳۲۰ ش.
۴. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۱-۸۵-۳۲/۲۹۳.
۵. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۰۳۷-۱۴/۲۹۰ سال ۱۳۲۰ ش.
۶. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۰۱۶-۱۴/۲۹۰ سال ۱۳۲۰ ش.
۷. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۰۱۶-۱۴/۲۹۰ سال ۱۳۲۰ ش.
۸. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۶، ۲۴-۴۹۷-۵/۲۹۰.
۹. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۲، ۹-۴۹۰/۱۳-۲۹۳.
۱۰. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۴-۳۱۳-۴/۲۹۰.
۱۱. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۳-۳۱۳-۱۰/۲۹۰ سال ۱۳۲۱ ش.
۱۲. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۰۳۰۰۳، پاکت شماره ۴۴۴۵.
۱۳. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۰۳۰۰۳، پاکت شماره ۴۴۴۰، سال ۱۳۲۲ ش.
۱۴. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۰۳۰۰۳، پاکت شماره ۴۴۴۰.
۱۵. همانجا.
۱۶. همانجا.
۱۷. همانجا.

۱۵۸ / فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۲۹

۱۸. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۳۷-۱۵-۲۹۳/۲۴.

۱۹. همانجا.

۲۰. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۳۷-۵-۲۹۳/۲۴.

۲۱. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۳۷-۷-۲۹۳/۲۴.

۲۲. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۰۳۰۰۳، پاکت شماره ۴۴۴۰.

۲۳. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۹۰/۵-۴۹۷-۳۲؛ سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۹۰/۵-۴۹۷-۶۱.

۲۴. همانجا.

۲۵. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۹۰/۵-۴۹۷-۳۱، سال ۱۳۲۳ش.

۲۶. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۹۰/۵-۴۹۷-۳۳.

۲۷. همانجا.

۲۸. همانجا.

۲۹. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۹۰/۵-۴۹۷-۴۸، سال ۱۳۲۴ش.

۳۰. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۹۰/۵-۴۹۷-۵۰.

۳۱. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۹۰/۵-۴۹۷-۲۰، به تاریخ ۲۹/۱۰/۱۳۲۴ش.

۳۲. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۰۳۰۰۳، پاکت شماره ۴۰۲۶، صورت جلسه ۱۳۲۰/۱۰/۲۹ هیئت وزیران در مورد خسارت دیدگان جنگ.

۳۳. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۹۳/۱۶-۸۰-۴۰، گزارش سرتیب اعتماد مقدم رئیس اداره کل شهربانی به وزارت کشور، مورخه ۲۷/۱۱/۱۳۲۱ش.

۳۴. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۰۹۰۰۲، پاکت شماره ۱۹۶، گزارش مشایخی فرماندار زنجان به نخست‌وزیر و وزیر کشور، مورخه ۱۸/۱/۱۳۲۲ش.

۳۵. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۹۳/۱۶-۵۷-۵۷، گزارش یاور میرطلوعی، رئیس شهربانی زنجان به فرماندار زنجان، سال ۱۳۲۳؛ متأسفانه اشعار مذکور در سند ذکر نشده است.

۳۶. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۹۳/۱۶-۸۲-۴۴،۴۵، گزارش یاور میرطلوعی، رئیس شهربانی زنجان به فرماندار، سال ۱۳۲۳ش.

## مقاله ● زنجان در جنگ جهانی دوم / ۱۵۹

۳۷. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۰۹۰۰۲، پاکت شماره ۲۱۵ و ۱۹۶، به ترتیب گزارش نخعی کفیل فرماندار زنجان به وزارت کشور مورخه ۱۳۲۲/۶/۳۱ و تلگراف تعدادی از مالکین زنجان به مقامات تهران از جمله نخست‌وزیر، وزیر دادگستری و...، مورخه ۱۳۲۲/۷/۶ ش.

۳۸. سازمان اسناد ملی، پاکت شماره ۴۴۴۰، گزارش مشایخی فرماندار زنجان به نخست‌وزیر و وزارت کشور، مورخه ۱۳۲۲/۳/۱۱.

۳۹. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۹۳/۱۶-۸۲-۲، اعلامیه توزیع شده هیئت مرکزی اتحادیه کارگران ایران در زنجان، مورخه ۱۳۲۳/۲/۱۱ ش.

۴۰. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۹۰/۹-۵۲-۲۴، گزارش سرباس سیف رئیس کل شهربانی کشور به وزارت کشور.

۴۱. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۹۳/۱۶-۵۷-۵۷، گزارش شهربانی زنجان به فرماندار زنجان.

۴۲. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۹۳/۱۶-۸۲-۴۳، گزارش شهربانی زنجان به شهربانی کل کشور، سال ۱۳۲۳ ش.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی